

### متن پرسش

سلام و عرض ادب و ابراز اشتیاق دیدار. در ادامه مبحث اربعین، مخاطبین روی این کلمه حکمت خسروانی، کمی از حضرتعالی انتظار کمک دارد، میخواهیم این حکمت خسروانی و ارتباطش را با موضوع اربعین کمی به تفصیل بیاورید، ممنون میشویم. با تشکر از حضرتعالی. التماس دعا

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث آن مفصل است. همین اندازه می‌توان شماره ۵۰ «بنیان‌های حکمت حضور جهان بین دو جهان» خدمتتان ارسال کنم تا فتح بابی در این مورد باشد. موفق باشید

۵۰. برای گشوده‌شدن قرآن و درک اولیای الهی، نباید مانند مشرکین حجاز دست‌هایمان از معانی قدسی خالی باشد و نسبت به تذکراتی که وحی الهی می‌دهد بیگانه باشیم. در حالی که وقتی ایرانی‌ها با وحی الهی از طریق اسلام روبه‌رو شدند، نسبت به آن خالی‌الذهن نبودند و حضور رهبر روحانی جهت نظام بشری را می‌شناختند و حاصل مواجهه حکمت خسروانی با اسلام، فارابی می‌شود و تذکر به مدینه فاضله. جناب سلمان فارسی حاصل مواجهه حکمت خسروانی با نبوت نبوی است و بدین لحاظ در زمره خانواده پیامبر (ص) قرار می‌گیرد، ولی ابوجهل یعنی عموی پیامبر (ص) از خانواده پیامبر خارج است.

مواجهه روح خسروانی در بستر دیانت نبوی، در دوران جدید موجب ظهور سلسله صفویه شد و حاصل آن میرفندرسکی و ملاصدرا گشت، در حالی که در بستر حاکمیت عثمانی هرگز میرفندرسکی و ملاصدرا ظهور نخواهد کرد.

همان پیوستگی که بین حکمت خسروانی و سیره نبوی شکل گرفت، در این تاریخ موجب می‌شود در مواجهه با خرد مدرن به طلوع جهانی بین دو جهان فکر کنیم که در عین تشیع با هویت حکمت خسروانی، خود را از خرد مدرن بیرون نداند.

مصریان در شرایطی بودند که یا باید اسلام را می‌پذیرفتند و زبان مخصوص اسلام را و یا بر همان عصر طاغوتی خود باقی می‌ماندند، زیرا زبان طاغوت زده آن‌ها ظرفیت رابطه با اشارات قرآن را نداشت ولی در ایران شرایط متفاوت بود و امروز نیز ما در مواجهه با خرد مدرن شرایط مخصوص به خود را دارا هستیم.

از آنجایی احساس خود به عنوان حضوری در اکنون، امری است الهامی، ضرورت رهبری روحانی در تأسیس یک نظام حقیقی که مبتنی بر معرفت ذاتی انسان باشد پیش می‌آید، تا بتوانیم حضور در اکنون تاریخی خود را در یک نظام بنا کنیم زیرا یکی از شرایط بنیادین برای به خودآمدن انسان، حضور در جهانی است تاریخی، تاریخی که آینده حضور بیکرانه انسان را به صورتی اصیل مدّ نظر آورد. ساختن چنین تاریخی، ضرورتاً به تحقق نظامی منجر می‌شود که مبتنی بر رهبری و هدایت رهبری باشد تاریخ‌ساز، تا با شخصیت و رهنمودهای خود، امکان عبور از آشفتگی‌ها و درماندگی‌ها را فراهم آورد وگرنه صاحب منصبان تنگ‌نظر، آن تاریخ را به یک رژیم دیوان‌سالار تبدیل می‌کنند. این جا است که ضرورت انسان‌های قدسی به عنوان به ظهور آوردن «وجود» در تاریخ، ضروری خواهد بود تا آغازگر باشند. این همان برخورداری از معانی قدسی است در نظر به سیره اولیای الهی تا انسان برای رجوع به هویت قدسی خود، نمودی متعین در پیش رو داشته باشد و وجود چنین نمادی با تاریخ‌سازی خود می‌تواند نقش‌آفرینی کند، امری که حجاز در صدر اسلام از آن غفلت کرد ولی در ایران بنیان‌های تاریخی آن از قبل فراهم بود و اسلام نوری بود که به آن بنیان‌ها تابید و آن‌ها را به صورتی اصیل‌تر به ظهور آورد و غفلت از حضور رهبری که نماد حضور ما در ساحت قدس باشد ما را گرفتار محافظه‌کاری صاحب‌منصبان می‌کند.